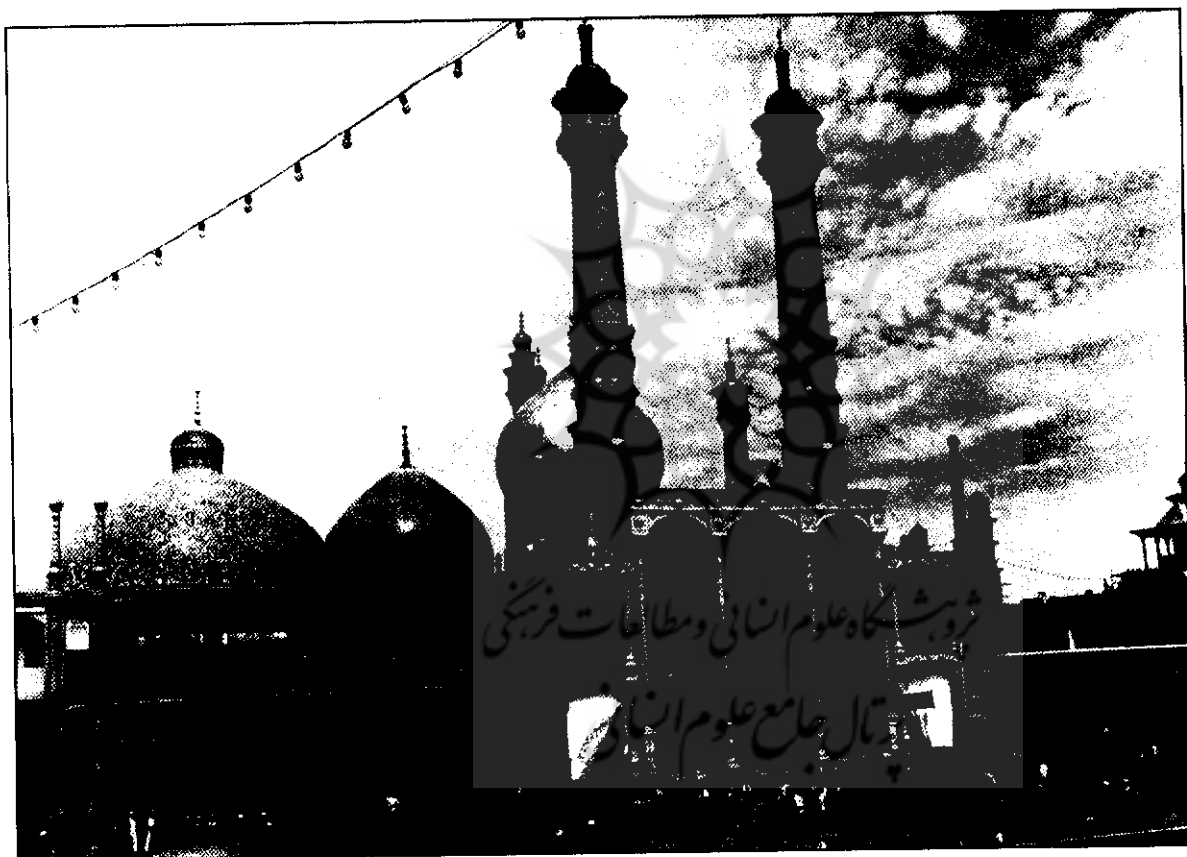


شهر قم در سفرنامه ها و متون تاریخی

محمدجعفر سروقدی





است، زیرا که حدود آن بغایت از یکدیگر دورند و اقطار آن متفاوت اند و از دیگر شهرها با حوز - حوزة - آن گرفته اند و جمع کرده اند. (۱)

«یعقوبی» در کتاب البلدان درباره شهر قم می نویسد:

و کسی که قصد قم دارد، چون کسی که رو به مشرق می رود از همدان بیرون رود و در روستاهای همدان پیش رود و از شهر همدان تا شهر قم پنج منزل راه است و شهر بزرگ قم به آن منیجان گفته می شود و شهری است جلیل القدر که گویند در آن هزار گذر است و درون شهر دژی است کهن برای عجم و در کنار آن شهری است که به آن کمندان گفته می شود و آن را رودخانه ای است که در میان دو شهر آب در آن جاری است و روی آن پلهایی است که با سنگ بسته شده و روی آنها از شهر منیجان به شهر کمندان عبور می کنند و اهالی آن، که بر شهر چیره اند قومی هستند از مذحج و سپس اشعریان و در آن مردمی از عجمهای کهن سکونت دارند و قومی هم از موالی که خود می گویند که آنان موالی عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب اند. (۲)

«اصطخری» صاحب کتاب مسالک الممالک (متوفی سال ۳۴۶ هـ.ق) شرح دیدارش از قم را این چنین نوشته

... قم دیوار دارد و آب چاه خورند و مردم تنگ معیشت باشند و بهار و تابستان رودخانه بزرگ روان باشد و پسته و بندق بسیار خیزد و مردم قم همه مذهب شیعه دارند و اصل ایشان بیشتر از عرب است. (۳)

در سفرنامه «ابی دلف» تألیف شده در نیمه اول قرن چهارم هجری، شهر قم این گونه توصیف گردیده است:

... بعد از آنجا قم است و آن شهر تازه ساز

شهر قم که تربت مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) دخت گرامی حضرت موسی بن جعفر (ع) و خواهر والاتبار حضرت رضا (ع) به آن رونق و صفایی ملکوتی بخشیده و حرم مطهرش را زیارتگاه صاحبان ساخته از گذشته های دور به علت وجود منور آن بانوی بزرگوار و به سبب آنکه مولد و موطن بسیاری از بزرگان علم و ادب و فقه و حدیث بوده مورد توجه همگان قرار داشته و القاب زیادی را چون: «دارالمؤمنین، دارالموحدین، دارالعلم، مدینه المؤمنین، خاک فرج و دارالعباده و...» دارا بوده است. این شهر مذهبی که در طول تاریخ همواره به عنوان یکی از مراکز عمده تشیع شهرت داشته به علت قرار داشتن بر سر راه قدیمی ری به اصفهان از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. توصیف ویژگیهای شهر قم و نیز آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) در متون تاریخی و سفرنامه بسیاری از جهانگردان آمده است که بررسی آنها نکات قابل توجهی را از وضعیت جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی این شهر مقدس در سده های گذشته برای محققین روشن می سازد.

در این مختصر ضمن رعایت تقدم و تأخر نوشتارها تنها به نقل شرح مشاهدات برخی از جغرافیا تاریخ نویسان و جهانگردان که از شهر قم و آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) دیدن کرده اند و معرفی منابع آنها اکتفا شده است.

در این زمینه قدیم ترین مأخذی که در دسترس محققان قرار دارد کتاب تاریخ قم است. این اثر در سال ۳۷۸ هـ.ق به قلم حسن بن محمد بن حسن قمی به زبان عربی تألیف و در سال ۸۰۵ و ۸۰۶ هـ.ق به دست حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی به فارسی ترجمه شده و مرحوم سیدجلال الدین طهرانی آن را تصحیح و تحشیه نموده است. در فصل اول این کتاب در ذکر حدود قم از برقی روایتی است که او گفت: «قم چهل فرسخ در چهل فرسخ

۱- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تصحیح و تحشیه جلال الدین طهرانی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۶.

۲- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه دکتر محمدابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶، ص ۴۸ و ۴۹.

۳- اصطخری، ابواسحاق، ابراهیم، مسالک الممالک، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۶۶.

اسلامی است. در قم اثری از غیر اعراب - اعاجم - وجود ندارد، احداث کننده این شهر طلیحة بن الاحوص الاشعری بود، در آنجا چاههای آب وجود دارد و مانند آب آن از حیث خنکی و گوارایی در روی زمین یافت نمی شود. می گویند گاهی در تابستان از آن چاهها برف بیرون آمده است، ساختمانهای قم آجری و سردابهای بسیار خنک دارد. (۴)

در کتاب صورة الارض نگاشته شده به سال ۳۶۷ هـ ق این حوقل درباره شهر قم نوشته است:

شهر قم حصاری دارد و فراخ نعمت است و آب آشامیدنی مردم از چاه و آب باغها با دولاب تأمین می شود. میوه ها و درختان پسته و فندق دارد، همه مردم بی استثنا شیعه هستند و اغلب آنها عرب اند و زبانشان فارسی است. (۵)

شهر قم در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب که مطالب آن درباره جغرافیای تاریخی شهرهاست و در سال ۳۷۲ هـ ق تألیف و مؤلف آن نامعلوم است این چنین توصیف گردیده است: «قم، شهری است بزرگ و ویران و کشت بسیار و مردمانی شیعی اند و بلفضل پسر عمید دبیر از آنجا بود و از وی زعفران خیزد. (۶)

«یاقوت حموی» نویسنده معروف قرن هفتم هجری درباره شهر قم می نویسد:

نام قدیم قم کمندان بوده که اعراب پاره ای از حروف آن را حذف نموده آن را قم نامیدند. در آن شهر آثار قلعه کهنه ای متعلق به ایرانیان وجود دارد که هنوز باقی است و رودخانه ای بین دو شهر - قلعه قدیم و شهر اسلامی - قرار دارد که آب در آن جاری است و چند پل سنگی بر آن بسته شده. (۷)

«ابوالفداء» نویسنده کتاب تقویم البلدان به نقل از الباب درباره احداث بنای شهر قم و شکل گیری تشیع در آن دیار و اینکه چرا این شهر را قم نامیده اند مطلبی نوشته است. (۸)

«حمدالله مستوفی» در کتاب نزهة القلوب شهر قم را این طور توصیف کرده است:

قم از اقلیم چهارم است و طهمورث آن را بساخت، دور باروش زیادت از ده هزار گام است، گویند به چهل گام بر باروی قزوین زیادت است و هوایش معتدل است و آبش از رودی از جربادقان می آید و در آنجا همچون آوه زمستان یخ آب در چاه می بندند تا به هنگام گرما باز می دهد و آب چاهش در پانزده گزی بود و اندکی به شوری مایل بود، از ارتفاعاتش غله و پنبه بسیار بود و از میوه هایش انار و فستق و خربزه و انجیر سرخ نیکوست و در آن شهر درخت سرو سخت نیکو می باشد و مردم آنجا شیعه اثنی عشری اند و به

غایت متعصب و اکثر آن شهر اکنون خراب است اما باروش بیشتر برجاست. (۹)

«حکیم اوحدالدین انوری» در سال ۵۴۷ هـ ق درباره عراق عجم و قم سروده است:

چهار شهر است عراق از ره تخمین گویند
طول و عرضش صدرصد بود و کم نبود
اصفهان کاهل جهان جمله مقررند بدان
در اقلیم چنان شهر معظم نبود
همدان جای شهان کز قبل آب و هوا
در جهان خوشتر از آن بقعه خرم نبود
قم به نسبت کم از آنهاست ولیکن آن نیز
نیک نیک ارکه نباشد بدبد هم نبود
معدن مردمی و کسان کرم شاه بلاد
ری بود ری که چو ری در همه عالم نبود (۱۰)

قم در قرن نهم هجری نیز مورد بازدید و توصیف قرار گرفته است، در سال ۱۴۷۴ میلادی دوتن از اهالی و نیز به نامهای جیازوفو باربارو و آمبروسو کنتارینی از قم دیدن نمودند. «باربارو» درباره قم چنین می نویسد:

شهری است که ساختمانهای آن عاری از ظرافت و زیبایی است، شهر صنعتی نیست و مردم آن از زراعت معاش خود را تأمین می کنند، تاکستانهای وسیع و باغهای فراوان و خربزه های بسیار عالی و بزرگ دارد که وزن بعضی از آنها به سی پوند - حدود چهارده کیلوگرم - می رسد، تعداد خانه های شهر بیست هزار است. (۱۱)

«کنتارینی» می نویسد:

قم شهر کوچک ولی زیبایی است که در دشتی قرار گرفته و با دیوارهای گلی محصور شده است و همه چیز به حد وفور در آن یافت می شود و دارای بازارهای خوبی است که مرکز داد و ستد فرآورده های دستی و فاستونی های آن است. (۱۲)

مؤلف گنجینه آثار قم به نقل از جلد دوم کتاب هفت اقلیم امین احمد رازی (تألیف سال ۱۰۱۰ هـ ق) صفحه ۴۹۳ آورده که وی درباره شهر قم چنین نوشته است:

قم از شهرهای معظم عراق بوده اما الحال چندان معموری ندارد و از چهار شهری که عرض و طول مضافات آن را صدرصد گرفته اند یکی قم است. (۱۳)

«جان کارترایت» کشیش انگلیسی که در سال ۱۶۰۰ میلادی از قم دیدن کرده می نویسد:

هنوز آثار خرابیهای تیمور لنگ دیده می شود و مردم می گویند در آن موقع که شهر رونق و آبادانی داشت به قدر دو برابر قسطنطنیه - استانبول - دارای وسعت بوده است. (۱۴)

ناگفته پیداست که سخن این کشیش انگلیسی اغراق آمیز به نظر می رسد.

- ۴- مینورسکی، ولادیمیر، سفرنامه ابودلف، ترجمه سیدابوالفضل طباطبائی، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۴۲، ص ۷۱.
- ۵- ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵، ص ۱۱۳.
- ۶- ستوده، منوچهر، حدود العالم من المشرق الی المغرب، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۴۲.
- ۷- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۲۲۶.
- ۸- ابوالفداء، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۴۷۲.
- ۹- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش گای لسترنج، نشر دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۶۷.
- ۱۰- ابن الرضا، سیدحسین، قم از نظر اجتماعی، اقتصادی، چاپ مهر قم، ۱۳۶۵، ص ۲۷.
- ۱۱- امینی، رضا، قم، تاریخچه کامل دومین شهر مقدس ایران، اطلاعات ماهانه، شماره ۹، سال دوم، آذرماه ۱۳۲۸، ص ۲۶.
- ۱۲- کنتارینی، آمبروسو، سفرنامه، ترجمه قدرت الله روشنی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۹، ص ۳۸.
- ۱۳- فیض، عباس، گنجینه آثار قم، جلد نخست، چاپ اول، ۱۳۴۹، ص ۱۲۲.
- ۱۴- امینی، رضا، قم، تاریخچه کامل دومین شهر مقدس ایران، ص ۲۷.

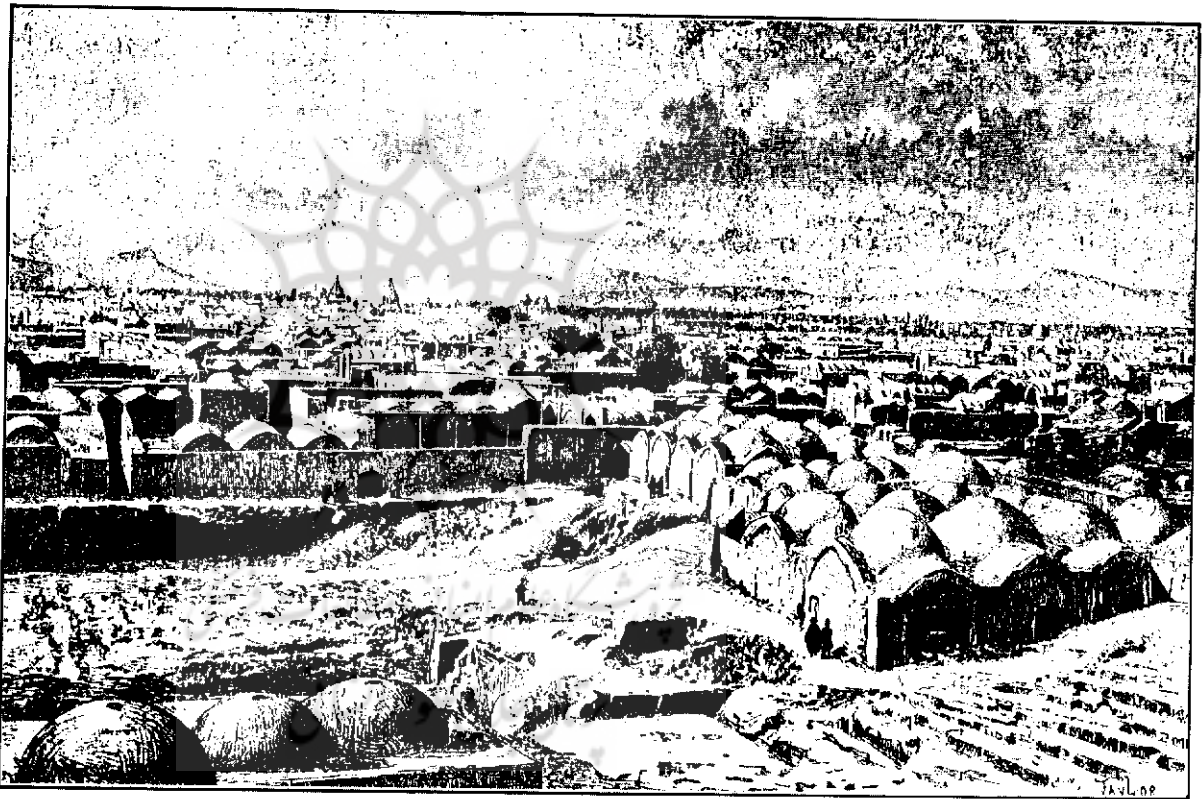


است که بر اثر باران و آب کوههای اطراف بعضی اوقات خیلی بزرگ و پر آب می شود. در نزدیکی پل سنگی این رودخانه مقبره ای واقع شده که می گویند خواهر امام رضا (ع) است و از طرف مردم مقدس شمرده می شود و زیارتگاه عمومی است. کوچه ها و بازار شهر نسبتاً خوب و تمیز و میدان شهر به حد کافی جا دارد و متناسب است و روی هم رفته تمام شهر به نظر من زیبا و دلگشا آمد. (۱۵)

در سال ۱۶۱۸ «دون گارسیا دوسیلوا فیگورا» سفیر کبیر اسپانیا در دربار شاه عباس کبیر که به منظور مذاکره جهت بازپس گرفتن متصرفات پرتغال در خلیج فارس به ایران سفر کرده بود در حین عبور یکی دو روز در قم توقف می کند و از کثرت جمعیت شهر متعجب می گردد.

شهر قم در دوره صفویه سهم وافری از عمران و آبادانی یافت و اکثر پادشاهان آن عصر در آستانه فاطمیه و سایر مشاهد، تعمیرات و احداثاتی انجام داده اند، چنان که اکثر آثار تاریخی قم مربوط به این عصر است. شهر قم و آثار تاریخیش را در آن روزگار جهانگردان متعددی که در قالب نجبا و دانشمندان، هیأت‌های سیاسی، تجاری، مذهبی و با اهداف ماجراجویی، تفریح و یا تحقیق به شرق مسافرت می کردند بررسی و توصیف کرده اند.

در اینجا به نقل بخشهایی از سفرنامه های مربوط به این دوره می پردازیم:
«پیترو دلاواله» جهانگرد ایتالیایی که در سال ۱۶۱۷ میلادی به ایران سفر کرده و مدت شش سال در این کشورها به سر برده است نتایج دیدار خود از قم را چنین



منظره شهر قم - مأخذ: سفرنامه اولناریوس (طرح ۱)

توصیف کرده است:

ده سال بعد «توماس هربرت» معروف وارد قم می شود و درباره آن شهر چنین می نویسد:
در این شهر دو هزار خانه وجود دارد و غالب آنها دارای ساختمان خوب و خوش نما و اثاثه عالی و زیبا می باشد. کوچه ها بسیار وسیع و بازارها بسیار زیبا و قشنگ هستند، ولی حصارهای که معمولاً گرد تمام شهرهای آسیا دیده می شود دور این شهر وجود ندارد.

سپس هربرت به اشتباه می نویسد: «در مسجد زیبای شهر، جسد فاطمه دختر پیامبر اسلام و همسر علی مرتضی مدفون است و به این جهت آن

به طوریکه در کتاب شرح جغرافیا نوشته شده این شهر در ازمنه قدیم «قوانا» نام داشته و شهری از ایالت مدیا محسوب می شده است. من به این نظر هنوز هم معتقد هستم و عقیده دارم حتی کاشان هم که جنوبی تر است جزء مدیا محسوب می شود. باوجود این مردم محل این شهر را قسمتی از خاک عراق می شمارند. قم از شهرهای متوسط ایران است و از لحاظ بزرگی به کاشان نمی رسد، جمعیتش هم از آن شهر کمتر است، ولی در محل مناسبتری واقع شده و می توان گفت زیباتر است. جلو شهر رودخانه کوچکی جاری



مسجد شهرت فراوان یافته و زینت آلات بسیاری در آنجا گرد آمده است».

این نویسنده حضرت فاطمه معصومه (س) را با حضرت فاطمه (س) دخت گرامی پیامبر (ص) اشتباه کرده است. (۱۶)

«فدت آفاناس یویچ کاتف» بازرگان نکته سنج و فعال روسی در زمان امپراتور کبیر روسیه میخائیل فدرویچ به ایران سفر کرده و شرح مشاهدات خود را در ایران، در سالهای ۱۶۲۴ - ۱۶۲۳ میلادی به رشته تحریر درآورده است، او درباره شهر قم می نویسد:

از ساوه تا قم از راه جلگه واقع در بین کوهها دو روز بود. به قم قلعه گلی و برجی است که بد ساخته شده، با ورود به قم از راه ساوه قصر زیبای شاهی و کاروانسرای دیده می شود. در شهر بازار

سفیدش نشان می دهد، واقع شده است، از این کوه دو رشته رودخانه سرچشمه می گیرد و در داخل شهر به یکدیگر متصل و جاری می شوند، در بهار سه سال پیش از این دو رودخانه مزبور چنان پر شدند که سیل ناشی از آن بیش از یک هزار خانه را از بین برده بود.

او سپس از وضعیت کشتزارها و باغها و میوه جات و مهمترین صنایع دستی و سفالسازی این شهر یاد می کند. (۱۹) (طرح ۱)

در فاصله بین سالهای ۱۶۳۱ تا ۱۶۶۵ میلادی «ژان باپتیست تاورنیه» اهل بولنی، شش بار از ایران دیدن کرد، او طلاکار و جواهرفروشی بود که در سالهای جوانی به مشرق زمین مسافرت کرد و با آنکه تحصیلات چندانی نداشت، گزارشهای جالب توجهی از دید یک تاجر برای



منظره شهر قم - مأخذ: سفرنامه شاردن (طرح ۲)

ما به جای گذاشته است. (۲۰) او درباره قم می نویسد: قم یکی از شهرهای بزرگ ایران است که در یک جلگه صافی واقع شده و برنج در آنجا به حد وفور به عمل می آید، میوه های آن هم خوب می شود، خصوصاً انارهای درشت اعلا دارد، حصار و باروی شهر از خاک و گل و دارای برجهای متعدد است که در فاصله های کم ساخته شده اند، پل سنگی در اول ورود شهر وجود دارد. سپس او به مسجد بزرگی اشاره می کند که به اشتباه آن را مدفن فاطمه دختر امام حسین (ع) معرفی می کند. و در توصیف آستانه مقدسه می افزاید:

در بزرگ این مسجد در یک میدان طولانی باز می شود که در آنجا یک کاروانسرا و دکاکین بسیار ساخته شده، یکی از اضلاع آن با دیوار کوتاهی بسته شده که از بالای آن رودخانه و سواحل آن

و کاروانسرا و انواع سبزیهاست، بدین ناحیت شمشیر و زره می سازند و جوشن ها را دومرتبه آبدیده [کذا] می کنند، نان قم خوب و آتش سرد است. از قم با شتر به قلمرو شاهی مولتانسکی - شهری در پاکستان غربی - و هند می روند. (۱۷)

«آدام اولتاریوس» ریاضیدان درباری و از فرستادگان فریدریش سوم دوک هلنشین گوتروپ که به منظور به جریان انداختن تجارت ابریشم از مسیر رود ولگا و دریای شرقی در سال ۱۶۳۳ میلادی به ایران سفر کرده است. (۱۸) در گزارشهای بسیار جالب توجه خود درباره شهر قم این طور شرح می دهد:

قم یک شهر باستانی و بظلمیوس آنجا را «گوریانا» نامیده است. این شهر در قدیم بسیار بزرگ و گسترده بوده است و امروز نیز از باقیمانده چندین دیوار خراب می توان به این حقیقت پی برد. قم نیز بر روی دشتی هموار قرار گرفته و در سوی راست آن رشته کوه الوند که خود را با قلعه

- ۱۶- امینی، رضا، قم، تاریخچه کامل دومین شهر مقدس ایران، ص ۲۷.
- ۱۷- کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه کاتف، ترجمه محمدصادق همایونفرد، انتشارات کتابخانه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۶، ص ۶۰.
- ۱۸- شوستر والسر، سیبلا، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان، ترجمه دکتر غلامرضا ورهرام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۴۲.
- ۱۹- اولتاریوس، آدام، سفرنامه، ترجمه احمد بهپور، ۱۳۶۳، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.
- ۲۰- شوستر والسر، سیبلا، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان، ص ۱۴۳.



سابقاً در محل کنونی صحن عتیق، مدرسه فیضیه، مدرسه دارالشفا و مدرسه ساروتقی (این مدرسه به طور کامل از بین رفته است) قرار داشته عبور می نمودند که پس از احداث صحن اتابکی در دوره قاجار عبور و مرور زائرین از این محل انجام می گیرد.

شهر قم در آغاز عصر قاجار سهمی از عمران نیافت، در سال ۱۲۰۸ هـ ق که آقا محمدخان قاجار به منظور کشورگشایی و مضمحل کردن دولت زندیه عازم اصفهان و فارس و کرمان بود، در سر راه خود بر تسخیر قم همت گماشت که پس از دفاع و حصارداری حاکم زندیه سرانجام خان قاجار بر شهر غلبه یافت و به بستن و کشتن و زندانی کردن مردم پرداخت و خانه ها را طعمه حریق ساخت و سپس از شهر قم خارج شد. برای پی بردن به وضع قم در عصر آقا محمدخان این دو بیت که در کتیبه شاه نشین مدرسه فیضیه گچبری شده گویاست:

**شهر قم فخرالبلاد ام القری
کاسمانش کرد یکسان با زمین
شد چنان ویران که نه بامی خراب
تا در او بسومی شود منزل گزین**

اما فتحعلی شاه که وضع قم و مردمش را می دید نزد خود نذر شرعی کرد که هرگاه به سلطنت برسد به عمران آستانه و شهر بپردازد و پس از رسیدن به قدرت به نذر خود وفا کرد. (۲۳)

شهر قم در مسیر سفر جهانگردان بسیاری در دوره قاجار قرار داشته که پس از اقامت و یا عبور کردن از آنجا شرح بازدید خود را در سفرنامه هایشان آورده و به توصیف این شهر پرداخته اند، در هیچ دوره ای از تاریخ ما همچون این دوره، سفرنامه نویسی رواج نداشته است، چرا که در این ادوار پای اروپائیان به طور مستمر به کشور ما باز شد و ایرانیان نیز برای تحصیل و سیاحت و تجارت روانه کشورهای همجوار و اروپایی شدند.

گرچه شرح مطالب سیاحتنامه ها و سفرنامه ها درباره شهر قم کمی طولانی شد، لکن این نکته را نباید از نظر دور داشت که برای شناخت بسیاری از نکات دقیق و مهم گذشته خصوصاً بررسی وضعیت شهرها، راهها و اماکن باید به مجموع کامل سیاحتنامه ها و سفرنامه ها و گزارشهای آن عصر توجه داشت، زیرا بسیاری از سیاحان ایرانی و فرنگی، به ثبت بسیاری از وقایع و مشاهدات دست زده اند که شاید در روزگار خود آنها چندان مورد توجه نبوده است، اما بررسی و مطالعه آنها یادآور صحنه های تلخ و شیرین زیادی است که از بسیاری آنها اثری برجا نمانده است.

در نوامبر ۱۸۲۱ میلادی - مقارن سلطنت فتحعلی شاه - سیاحی به نام «جیمز فریزر» به ایران سفر کرد و شهرهای زیادی از جمله شهر قم را مورد بازدید قرار داد. او که طی اقامتش در شهر قم با لباس مبدل وارد حرم مطهر

پیداست، بالای در ورودی با خط طلا عبارتی در مدح شاه عباس نوشته شده است، سپس داخل یک حیاط مربع طولانی می شوند که می توان آن را باغ نامید و دارای انواع و اقسام گل و ریاحین می باشد و از این حیاط داخل یک حیاط بزرگتری می شوند که صحن آن سنگ فرش است و از آنجا با چند پله داخل حیاط بلند مهتابی دار مربعی می شوند که در اطراف آن حجراتی وجود دارد، از این حیاط سوم نیز پس از بالا رفتن از حدود دوازده پله آجری داخل حیاط چهارم می شوند که آن هم مثل مهتابی مرتفع است و یک حوض قشنگ در وسط آن واقع است که از آب جاری پیوسته لبریز است. بنای حرم هشت گوشه است و در هر ضلعی یک در کوچک از چوب گردو واقع است که روی آنها را با رنگ زرد و بخور براق کرده اند مقبره حضرت فاطمه معصومه (س) در قعر مسجد واقع شده است، به طوری که میان دیوار و قبر یک آدم فقط می تواند عبور کند، اطراف قبر ضریح بزرگی از نقره کشیده شده که شانزده پای مربع مساحت آن است، میله های آنها گرد و مفاصل تقاطع آنها مانند سیب کروی است. داخل مسجد تا زیر زوایای مثنی که پایه طاقهای گنبد روی آنهاست تمام آجر کاشی الوان بسیار اعلی است و طاق گنبد مسجد - حرم - مثل طاق در مدخل آن از طلا و لاجورد به سبک اعراب نقش و نگار شده است. در هر طرف مسجد نزدیک قبر فاطمه معصومه (س) یک تالار بزرگ قرار دارد. (۲۱)

«ژان شاردن» که جواهر فروش و از خاندادهای ثروتمند هوکونت بود، از دیگر جهانگردان دوره صفویه است که چندین سفر تجاری به مشرق زمین کرد. گزارشهای او که بین سالهای ۱۶۷۴ تا ۱۶۷۶ میلادی نوشته شده از دقیق ترین و غنی ترین سفرنامه هاست، در سیاحتنامه او در توصیف شهر قم آمده است:

قم شهر بزرگی است که در دشت وسیعی در طول یک رودخانه و در مقابل کوه بلندی که نیم ساعت راه با آن فاصله دارد، واقع شده است، هیأت این بلده مربع مستطیل می باشد که از طرف مشرق به سوی مغرب گسترده شده است و اکناف و اطراف قم را باغها و بساطین احاطه کرده است. (طرح ۲) (۲۲)

بدین ترتیب از خلال نوشته های سیاحان چنین برمی آید که قم در دوره صفویه شهر وسیع و پررونقی بوده و از نظر کشاورزی و باغداری از وضعیت خوبی برخوردار بوده و شهر بارو و برجهای متعددی داشته است و آستانه مقدسه بنایی باشکوه و با عظمت توصیف گردیده که برای ورود به آن می باید از چهار حیاط پی در پی که

۲۱- ناوریه، ژان بابتیست، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۸۱ و ۸۲.
۲۲- شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمدعباس، جلد سوم، ۱۳۳۶، ص ۶۰.
۲۳- فیض، عباس، گنجینه آثار قم، جلد نخست، ص ۱۷۲.

حضرت معصومه (س) شده، درباره ضریح آن حضرت چنین می نویسد:

«ضریحی از چوب صندل به ارتفاع هفت یا هشت پا و به عرض و طول دوازده در هشت پا قبر را فرا گرفته و بالای آن فرش سبز رنگی گسترده شده است، پنجره نقره ای را که دارای میله های نقره ای بزرگ است مآدر پادشاه کنونی - فتحعلیشاه - بر گرد آن قرار داده است. او همچنین از تدارک آرامگاهی یاد می کند که فتحعلی شاه برای خود می ساخته است. (۲۴)

«اوزن فلاندن» که در سال ۱۸۴۰ میلادی به شهر قم سفر کرده است از حرات مشقت آور و برخاستن بخارات گرم از زمین در دشتی غمگین و لم یزرع یاد کرده که به استثنای چند کوه در آن چیزی یافت نمی شود و از لابه لای هوای کدر این دشت نقطه درخشانی که همان گنبد طلائی مرقد حضرت معصومه (س) است از مسافتی دور دیده می شود.

او از تقدس خاک قم و مقابر متعدد امامزاده های آنجا یاد کرده که تعدادشان چهارصد نفر ذکر شده و می نویسد:

قم از نظر اینکه مدفن یکی از اولاد پیامبر است نزد شیعیان اهمیت ویژه دارد و الا از نظر فنی و صنعتی تنها صابون پزی و کوزه گری دارد، فتحعلی شاه به قم احترام بسزا می گذاشت حتی از کوچه هایش پیاده عبور می نموده است. او در شهرت این شهر و زیارتگاهش مجاهدت بسیار نمود.

مقبره فاطمه که ایرانیها «معصومه» می نامند در تمام مشرق احترامی بسزا دارد و مردم از اکتاف به زیارتش می آیند، این مقبره از مرمر، طلا و موزائیک است، تالاری وسیع دارد که یک تکه نقره می باشد، در داخلش به اطراف پیشکش هائی را که از قبیل سلاح، سنگهای قیمتی، لباسهای گرانبها آورده اند، دیده می شود، گنبدش را هم فتحعلی شاه از طلا زینت داده است.

از پادشاهان ایران، شاه عباس دوم، شاه صفی و فتحعلی شاه در قم مدفون اند، مقبره فتحعلی شاه از سنگ های مرمر، طلا و آینه تزئین شده، بر روی قبرش صفحه مرمر سفید انداخته شده که تصاویر و نقوش در آن حجاری نموده اند. (۲۵)

از دیگر کسانی که در سفرنامه ای مفصل مشاهدات خود از شهر قم را شرح داده و تصویری زیبا از آستانه مقدسه ارائه نموده «مادام ژان دیولافوا» فرانسوی است که همراه با همسرش در سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ م به ایران سفر کرده است، او می نویسد:

پس از تحمل سفری پرمشقت و هوایی گرم بالاخره گنبد طلائی قم پدیدار گردید که در پرتو



اشعه آفتاب مانند ستارگان نیزه بازی می کرد، در این شهر همه خانه ها مانند مأمونیه و ساوه دارای نیم گنبد های خشت و گلی هستند، از طرفی هم در دوردست بامهای مخروطی شکل مقابر شیوخ نمایان است و در طرف چپ، باغهای قشنگی مقبره حضرت فاطمه را احاطه کرده اند و این مقبره در عقب قبرستان وسیعی قرار دارد که مانند کوچه سنگفرشی از سنگهای بزرگ که روی قبرها انداخته اند پوشیده شده است، در جنب امامزاده بناهای دیگری هم هست که فتحعلی شاه و پدر و مادر ناصرالدین شاه در آنجا دفن شده اند. (۲۶)

(طرح ۳)

«هانری رنه دالمانی» سیاح دیگری است که صفحاتی از سفرنامه خود را به توصیف شهر قم اختصاص داده و ضمن بررسی اوضاع تاریخی و اجتماعی این شهر صحنه هایی از اماکن تاریخی را نیز به تصویر کشیده است، دریاچه و رودخانه قم، بازار و تجارت، قبرستانها و مقابر و بنای آستانه مقدسه از جمله مباحثی است که به آنها اشاره کرده است، او به فراوانی باغهای شهر اشاره می کند که درختان آنها غالباً آنانار یا توت است و موقعیت این شهر را از هر حیث بهتر از تهران ذکر کرده و وضعیت تجاری شهر را به علت واقع شدن در کنار رود اناربار و قرار گرفتن در محل تلاقی جاده های تهران، قزوین، سلطان آباد، بروجرد، همدان، یزد، کاشان و اصفهان خوب توصیف می کند، اما به طور کلی شهر قم را به واسطه قبرستانهای وسیع متعدد بسیار حزن آور معرفی کرده است.

او در قسمتی از سفرنامه خود در توصیف بنای آستانه مقدسه می نویسد:

مقبره باشکوه حضرت فاطمه معصومه با گنبد طلائی و مناره های آبی رنگ آن ابهت و جلوه خاصی داشت، سردر مقبره و حواشی آن با کاشیهای نفیسی زینت یافته و در اطراف مقبره هم باغهای زیادی دیده می شد که رنگ سبز اشجار با رنگ کاشیها مخلوط شده و تابلو زیبایی را تشکیل می داد. (۲۷)

وی سپس ادامه می دهد:

این مقبره بسیار زیبا و باشکوه است، قبر را با کاشیهای ظریف منقشی پوشانده و در روی آن پارچه زربفت گرانبهائی انداخته اند که حاشیه آن به زمین می رسد، اطراف قبر نرده مشبک نقره ای کشیده شده که ارتفاع آن به ۳ متر می رسد و از قبر تقریباً ۳۰ تا ۳۵ سانتیمتر فاصله دارد و در چهار گوشه این نرده چهارگوی درشت طلا قرار داده اند، در مواقع معمولی پرده بزرگی به در مقبره می آویزند تا قبر از انظار مستور باشد، کسانی که

۲۴- فریزر، جیمز بیلی، سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۵۴.
۲۵- فلاندن، اوزن، سفرنامه، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ دوم، ۱۳۲۴، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.
۲۶- دیولافوا، ژان، ایران، کلد و شوش، ترجمه شادروان علی محمد فره وشی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۴، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.
۲۷- دالمانی، هانری رنه، سفرنامه از خراسان تا بخاری، ترجمه و نگارش علی محمد فره وشی، ۱۳۳۵، ص ۸۴۹.



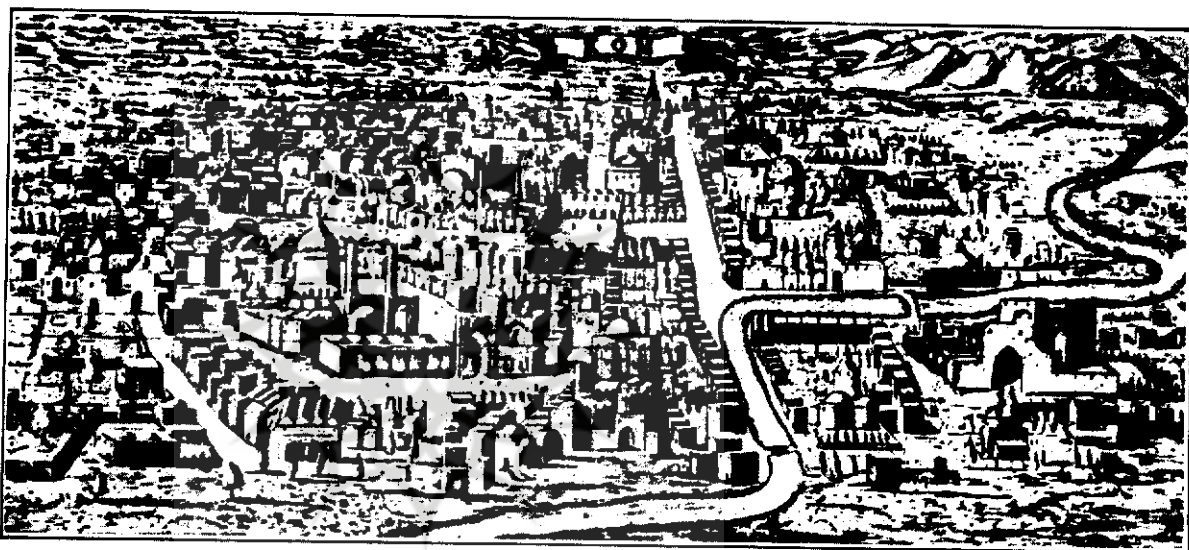
تعداد مدارس، مساجد، قنوات و جمعیت شهر اشاراتی دارد. (۳۰)

از دیگر رجال سرشناس دوره ناصری و مظفری «میرزا علی اصغر خان صفاء السلطنه» است که سالهای زیادی در مقامهای مختلف مملکتی خدمت کرده است، از او سفرنامه کوچکی به تاریخ ۱۳۰۰ هجری باقی مانده که به چند نام معروف است: سفرنامه خراسان، تحفة الفقراء، سفرنامه عراق عجم و حاوی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی خوبی از راه و رباطات کویری ایران است که از مشاهد شروع شده و از طریق تربت حیدریه، ساغند، طبرستان، یزد، اردکان، نائین، اردستان، کاشان، قم و حضرت عبدالعظیم به تهران ختم می شود، در این سفرنامه درباره آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) چنین آمده است:

پول به متولیان بدهند می توانند گوشه پرده را بالا بزنند و نظری به درون مقبره بیندازند. نرده قبر دارای چند کتیبه است که با خطوط طلائی برجستگی دارد، در بالای قبر هم چراغهای بسیار عالی گرانبهائی آویخته اند. (۲۸)

در جایی دیگر از این سفرنامه در توصیف از آستانه مقدسه آمده است:

در بالای گنبد طلائی مقبره ای میله ای که دارای چند گلوله طلائی است، قرار دارد، حواشی درها با کاشیهای آبی تیره رنگ زینت یافته است، مناره های کم ارتفاع مقبره از کاشیهای سفید و آبی که به شکل شطرنجی و به طور قرینه به کار رفته پوشیده شده است، در پایین مقبره باغ مشجری است که منزلگاه متولیان مقبره است، چون از



منظره شهر قم - مأخذ سفرنامه دیولافوا (طرح ۳)

اما از صفویه کسی که خدمات او در این آستان بیشتر مشهود و معروف است شاه طهماسب است که بنیان صحن و کاشیکاریهای اطراف بقعه و رواق که کلاً معرق است و کتیبه ها که هنوز ابداً فتوری به آنها راه نیافته از ایشان است و سردر مابین صحن و مدرسه فیضیه هم مسلماً از بناهای شاه طهماسب است، چنان که بر بالای آن روبه مدرسه فیضیه به کاشی معرق کتیبه نگاری شده: «السلطان شاه طهماسب بهادرخان»، طلاکاری گنبد مطهر هم از فتحعلی شاه است، درب طلائی ایوان و مساجد جنبین را هم ایشان ساخته اند، به این صورت که دری که الان در وسط ایوان طلا است مطلقاً نبوده، بلکه از جانبین ایوان دری به طنبی ها - تالارها - باز بوده و به اطراف بقعه از میان طنبی ها گردش می کرده اند بدون آنکه داخل اصل بقعه شوند. فتحعلی شاه آن طنبی ها را مسجد و کاشیکاری کرده، از داخل بقعه به مساجد در

بیرون به این باغ نظری انداختیم خیابانهای را دیدیم که باغ پراز گل سرخ را به قسمتهائی تقسیم کرده است. (۲۹)

در سال ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۷۸ میلادی «حاج عبدالغفار نجم الملک» به دستور ناصرالدین شاه در حین مأموریتی به جنوب کشور از شهر قم عبور کرده است و خاطرات خود را تحت عنوان سفرنامه خوزستان به رشته تحریر درآورده است، در بخشی از این سفرنامه آمده است:

اوقات توقف در قم همواره در گردش بود، شهر قدیم و جدید را به دقت سیاحت نمود، عجب شهر بزرگی بوده و حصار معتبر و قطوری داشته و در بعضی جهات، آثار آن هنوز باقی است. سد قم که در کنار رودخانه شور ساخته اند از برای حفظ شهر در امتداد حصار قدیم است، قم سابق شهر معتبری بوده، از آثار قدیمه در آنجا خیلی دیده می شود.

او در ادامه مطالب خود به قبور امامزادگان معروف،

۲۸- همان، ص ۸۵۵.

۲۹- همان، ص ۸۵۷.

۳۰- نجم الملک، حاج عبدالغفار، سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ۱۳۶۳، ص ۴.

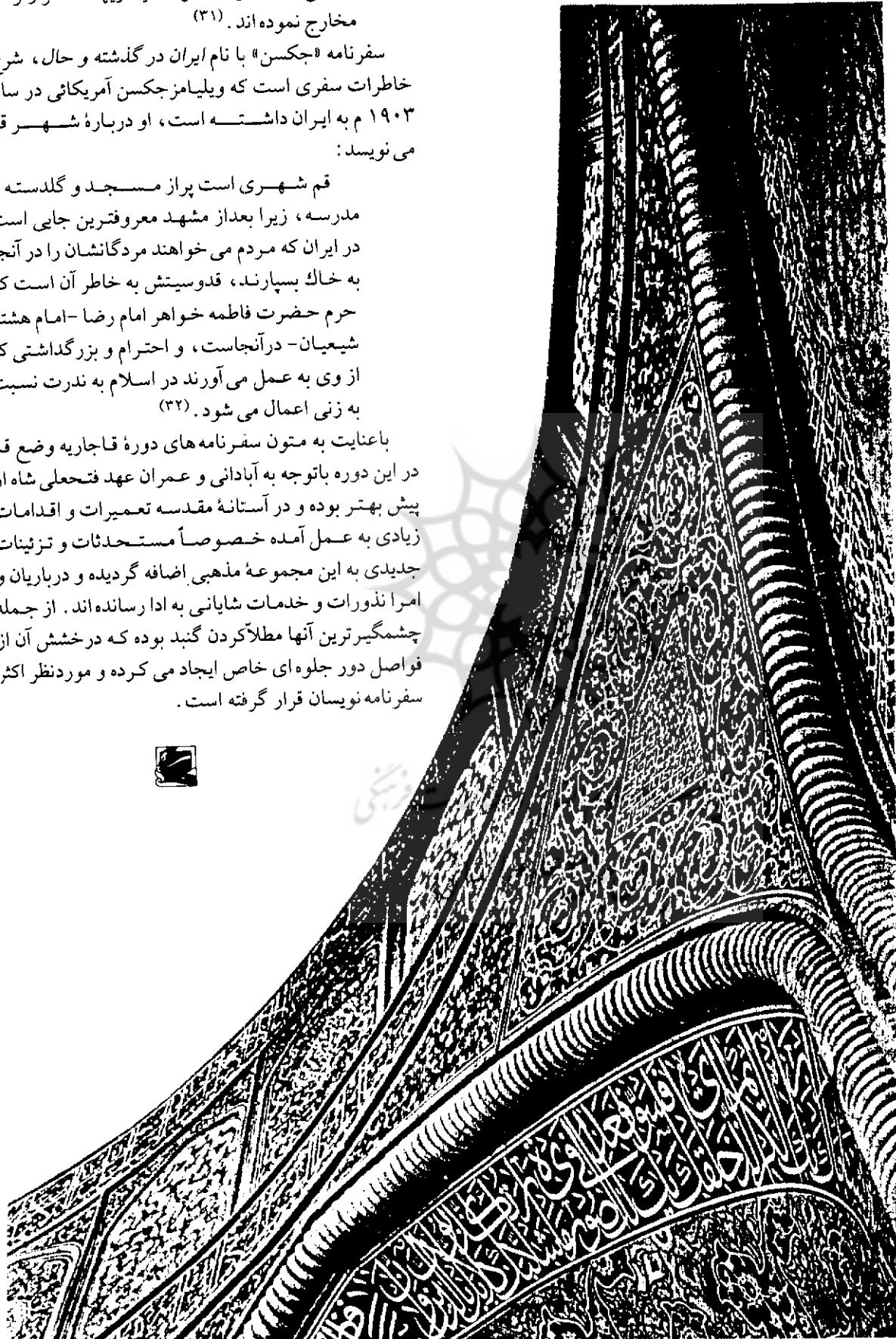


قرار داده، درب طلائی هم در وسط ایوان طلاکار
گذارده اند به هفت هزار تومان، از بابت طلای
گنبد و در طلا و درب طلای کوچکی که به ضریح
مقدس کار گذارده اند و کاشیکاریها صد هزار تومان
مخارج نموده اند. (۳۱)

سفرنامه «جکسن» با نام ایران در گذشته و حال، شرح
خاطرات سفری است که ویلیامز جکسن آمریکائی در سال
۱۹۰۳ م به ایران داشته است، او درباره شهر قم
می نویسد:

قم شهری است پراز مسجد و گلدسته و
مدرسه، زیرا بعد از مشهد معروفترین جایی است
در ایران که مردم می خواهند مردگانشان را در آنجا
به خاک سپارند، قدوسیتش به خاطر آن است که
حرم حضرت فاطمه خواهر امام رضا - امام هشتم
شیعیان - در آنجاست، و احترام و بزرگداشتی که
از وی به عمل می آورند در اسلام به ندرت نسبت
به زنی اعمال می شود. (۳۲)

با عنایت به متون سفرنامه های دوره قاجاریه وضع قم
در این دوره باتوجه به آبادانی و عمران عهد فتحعلی شاه از
پیش بهتر بوده و در آستانه مقدسه تعمیرات و اقدامات
زیادی به عمل آمده خصوصاً مستحذات و تزئینات
جدیدی به این مجموعه مذهبی اضافه گردیده و درباریان و
امرا نذورات و خدمات شایانی به ادا رسانده اند. از جمله
چشمگیرترین آنها مطلاع کردن گنبد بوده که درخشش آن از
فواصل دور جلوه ای خاص ایجاد می کرده و مورد نظر اکثر
سفرنامه نویسان قرار گرفته است.



۳۱- صفاء السلطنه،
میرزا علی خان نائینی، سفرنامه
صفاء السلطنه نائینی، به اهتمام
محمد گلین، انتشارات
اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶،
ص ۹۱.

۳۲- جکسن، ویلیامز،
سفرنامه جکسن، ایران در
گذشته و حال، ترجمه منوچهر
اسیری و فریدون بدره ای،
انتشارات خوارزمی، چاپ
سوم، ۱۳۶۹، ص ۴۶۵ و
۴۶۶.